

فصلنامه تاریخ اسلام و ایران (علوم انسانی سابق) از انتشارات معاونت پژوهشی دانشگاه الزهرا (س)  
درجه این مجله بهموجب نامه شماره ۱۳۶۹/۲۲۶ مورخ ۰۵/۰۴/۱۳۶۹ وزارت فرهنگ و آموزش عالی «علمی- پژوهشی» است.  
بااستناد نامه شماره ۲۲۱۴۰/۱.پ مورخ ۱۰/۰۸/۱۳۸۸ این مجله در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISCI) نفایه شد و دارای  
ضریب تأثیر (IF) است.

صاحب امتیاز: دانشگاه الزهرا (س)  
مدیر منقول: دکتر سوسن قهرمانی قاجار  
مدیر داخلی: دکتر علی محمد ولوی  
ویراستار فارسی: مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی - بیمان حمیدی  
ویراستار انگلیسی: دکتر صفورا برومند - دکتر علی محمد ولوی دییر اجرایی: مهتاب جعفری

### اعضای هیأت تحریریه:

دکتر جمشید آزادگان، دانشیار، عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی  
دکتر ابوالقاسم اجتهادی، استاد، بازنشسته گروه تاریخ دانشگاه الزهرا (س)  
دکتر احسان اشرفی، استاد، عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه تهران  
دکتر محمد تقی امامی خویی، استاد بار، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد شهردی  
دکتر اسماعیل حسن زاده، استاد بار، عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه الزهرا (س)  
دکتر الله‌یار خلعتبری، استاد، عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی  
دکتر محمد تقی راشد محصل، استاد، عضو هیأت علمی گروه زبان‌های یاستانی پژوهشگاه علوم انسانی و  
مطالعات فرهنگی  
دکتر محمد سرور مولایی، استاد دانشگاه الزهرا (س)  
دکتر علی محمد ولوی، دانشیار، عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه الزهرا (س)  
دکتر شهرام یوسفی فر، دانشیار، عضو هیأت علمی گروه تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چاپ و صحافی: انتشارات فرگاهی      حروفچین و صفحه‌آرایی: لیلا مشهدی  
ترتیب انتشار: فصلنامه

برای دسترسی به عنوانین و مقالات به نشانی سابت مجله [www.HistoryIslamIran.ir](http://www.HistoryIslamIran.ir) مراجعه فرمایید.

کلیه حقوق برای دانشگاه الزهرا (س) محفوظ است

آدرس: تهران - ونک، دانشگاه الزهرا (س)، دفتر معاونت پژوهشی - کد پستی ۱۹۹۳۸۹۱۱۷۶

تلفن: ۰۲۶-۰۴۴-۰۵۱-۸۲۲۴۱

مستقیم ۰۸۸-۰۹۹-۰۸

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهرا (س)  
سال بیست و دوم، دوره جدید، شماره ۱۳، پیاپی ۹۹، بهار ۱۳۹۱

## تأثیرات شورش بزرگ هند (۱۸۵۷ م. / ۱۲۷۳ ق.) در ایران

عباس سرافرازی<sup>۱</sup>

تاریخ دویافت: ۸۹/۶/۱۳

تاریخ تصویب: ۹۱/۸/۲۰

### چکیده

در سال ۱۸۵۷ م. / ۱۲۷۳ ق. شورش هند بزرگ به وقوع پیوست؛ حرکتی که باعث دگرگونی‌های قابل توجهی در هندوستان و منطقه شده: سلسله مغولان کبیر و نیز ملوک اود مقرض شدند و حکومت کمپانی هند شرقی در هندوستان به پایان رسید. از آنجاکه انگلیسی‌ها این حرکت را نتیجه تحریک عوامل خارجی، از جمله ایران، می‌دانستند، در صدد افزایش حریم امنیتی هندوستان برآمدند. در ۴ مارس ۱۸۵۷، عهدنامه صلح پاریس با ایران نیز به‌امضا رسید که خصیه شدیدی بر استقلال سیاسی و اقتصادی ایران وارد کرد و باعث نفوذ انگلیسی‌ها در ایران شد. شورش هند پیامدهای منفی بسیاری در ایران بر جای گذاشت: جدابی هرات، ترکستان، آسیای میانه (مرکزی) و قسمت‌هایی از سیستان و بلوچستان از ایران، رواج کشت تریاک، افول فرهنگ و زبان فارسی در هند و قطع رابطه مثبت علمی و فرهنگی ایران و هند. البته، این رویداد نتایج مثبتی نیز در ایران به‌دبی داشت: ایجاد خط تلگراف، اصلاحات سیاسی و اجتماعی و نیز صافرت

های ناصرالدین شاه به اروپا که باعث آشنایی وی با مظاهر غرهنگی و تمدنی غرب شد. این مقاله در صدد است که پیامدهای مثبت و منفی شورش هند را، به متزله یکی از عوامل تأثیرگذار در ایران، بررسی کند.

**واژه‌های کلیدی:** شورش هند، ایران، هندوستان، پیامدها، تقاجاریه.

#### مقدمه

در سال ۱۸۵۷ م. ۱۲۷۳ ق. انقلاب بزرگ هند علیه سلطه انگلیسی‌ها صورت گرفت؛ رویدادی که انگلیسی‌ها را در هند دچار مصیبت بزرگی کرد. دلیل اصلی این شورش را - که به «شورش سپاهی‌ها» مشهور است - اقدامات اصلاحی لرد دالهوزی، فرماندار کل هند، می‌دانند که آداب و رسوم محلی هند را رعایت نکرد. در ۹ ماه می ۱۸۵۷، الهوزی<sup>۱</sup> به لندن احضار شد و لرد کائیسگ به جای او منصوب شد. در ماه ژوئن همان سال، هندی‌ها که به شدت ناراضی بودند، قیام خود را تدارک دیدند. آنان در شهر میرات، واقع در شمال دهلی، شورش کردند که از آن با عنوان «شورش بزرگ»<sup>۲</sup> یاد شده است.

علت بی‌واسطه شورش آن بود که بریتانیا فشنگ‌های جدیدی را برای تفنگ‌ها به کار گرفت که شایع بود به چربی خوک آغشته است. مسلمانان و هندوها که چربی خوک را نجس می‌دانستند، از به کار بردن آن امتناع کردند؛ اما فرماندهی بریتانیا تدابیر شدیدی علیه امتناع کنندگان اتخاذ کرد (آنتونو، ۱۳۶۱: ۸۲). می‌توان قسمی از بخش اخیر را علت تامه محسوب کرد که حکم کبریتی را در آتش زدن یک خرمن دارد (احمود، ۱۳۵۳: ۷۴۴/۲). مسلمان وطن پرستان هندی دلایل زیادی برای قیام داشتند که مهم‌ترین آن‌ها، به زیر سلطه درآمدن هند بود. شدت انقلاب هند در چهار ماه نخست، بسیار زیاد بود و مردم هندوستان فداکاری بسیاری انجام دادند؛ اما چون رهبران لایق و کارآمدی نداشتند، حرکت آنان شکست خورد.

1. Dalhousie

2. the great mutiny

در همه جا، مردم به مبارزه علیه انگلیسی‌ها پرداختند و آنان را قتل عام کردند. آنان در دهلی، بهادرشاه دوم را<sup>۱</sup> که در قصر خود زندانی و تحت نظر انگلیسی‌ها بود، آزاد و امپراتور هند کردند (هوشنگ مهدوی، ۱۳۶۴: ۲۸۲). این شورش فقط یک سرکشی نظامی نبود، بلکه یک عصیان و قیام عمومی بر ضد انگلیسی‌ها بود. این شورش به یک جنگ تمام‌عیار و دامنه‌دار برای استقلال هند از چنگ خارجیان متغیر تبدیل شد. هیجانات مذهبی نیز عامه مردم را به شورش برمن انجیخت و در نتیجه، هم هندوها و هم مسلمانان زیادی در این جنگ شرکت کردند. این شورش، به آخرین تحمل نظم فتووالی در هند و نیز حکومت کمپانی هند شرقی در هندوستان پایان داد (نهرو، ۱۳۶۴: ۲).

.۸۰۳

این قیام نقطه عطف مهمی در تاریخ هند و نخستین انقلاب بزرگ مردمی علیه استعمار غرب است. انگلیسی‌ها با خروج نیروهای خود از ایران و مستعمرات آسیایی، به تدریج شهرهای هند را از انقلابی‌ها پس گرفتند و در ۱۴ سپتامبر ۱۸۵۷، دهلی را تصرف کردند. آنان توانستند بهادرشاه را دستگیر و به رانگون (برمه) بعید کنند. گفته می‌شود او در سال ۱۸۶۲ م. / ۱۲۷۹ ق. در سن ۸۷ سالگی در رانگون درگذشت و امروزه اعقاب وی در آنجا ساکن‌اند (Hibbert, 1980: 388).

در دادگاهی فرمایشی که برای محاکمه بهادرشاه تشکیل شد، انگلیسی‌ها تلاش کردند تا انقلاب هند را به «توطنه خارجی» منسوب کنند؛ چون این انقلاب کمی پس از پایان جنگ کریمه (۱۸۵۴-۱۸۵۶) رخ داد که در آن، انگلیس و فرانسه متحده عثمانی علیه روسیه بودند. بنابراین، تصور می‌شد که قدرت خارجی توطنه‌گر، با روسیه است و یا ایران. چون هیچ نشانه‌ای از دخالت روسیه وجود نداشت، تنها قدرت خارجی مداخله‌گر در امور هندوستان، ایران می‌توانست باشد. در این زمان، ایران در حال جنگ با دولت انگلیس بر سر هرات بود و باز پس‌گیری هرات، امیدی در مردم شبه‌قاره ایجاد کرد که در شکل‌گیری انقلاب ۱۸۵۷ هند بی‌تأثیر نبود (شهرازی، ۱۳۷۷: ۱۹۳/۱).

رهبران انقلاب در سخترانی‌ها و اعلامیه‌های خود، به مردم هند نوید می‌دادند که مردم ایران از آنان حمایت خواهد کرد و در مسجد جامع دهلی، سخنگویان انقلاب، مردم را به یاری ایران بشارت می‌دادند. شاید این امر برای تلاش حسام‌السلطنه، حکمران خراسان در زمان استقرار در هرات، بود که به رهبران انقلاب هندوستان نامه فرستاد و آنان را به پایداری فراخواند و به آن‌ها

مزده همکاری داد. صرف نظر از مداخله داشتن یا نداشتن ایران در انقلاب هند، بیان این مسئله توسط انگلیسی‌ها نشانگر آن است که ایران هنوز در عرصه سیاست جهانی و منطقه از اعتبار و اهمیت سیاسی بالایی برخوردار بوده است.

اسناد و مدارک باقی‌مانده از ایرانیان حاکمی از آن است که اندیشه کمک به انقلابی‌های هند درین حکام فاجاری وجود داشته است. در اسناد باقی‌مانده از حسام‌السلطنه که از خراسان به شاه ارسال کرده، ذکر شده است: شورش سپاهیان هند شروع شده است. اگر اجازه می‌فرمایید، با همین قشون که به همراه دارم، به هندوستان بروم. وی عنوان نموده شورش عظیم بربا شده. هرچه از انگلیسی‌ها بخواهید، خواهد داد. بیدار باشید. وقت نباید. به خرج کسی نرفت (ساسانی، بی‌تا: ۳۱).

وقتی عاقبت با وساطت ناپلئون سوم، امپراتور فرانسه، و میرزا آفخان نوری، صدراعظم، و فرخ خان کاشی، معاهده پاریس به‌امضا رسید، حسام‌السلطنه از پیام‌های خویش سودی نبرد.

انقلاب ۱۸۵۷ هند بهشدت با منافع ایران عجین بود؛ به همین دلیل، اظهارنظرهای ضدونیضی درباره دخالت ایران در انقلاب هند ذکر شده است. برخی از دولتمردان انگلیسی، از جمله سر جان لارنس<sup>۱</sup>، فرزند الکساندر لارنس، کارگزار کمپانی هند شرقی، نقش ایران را در انقلاب هند انکار می‌کند و اذعان می‌دارد که انگلیسی‌ها در آن زمان چنین ادعایی کردند؛ در حالی که اگر شاه ایران در بی آشوب در هند بود، درست در حاس‌ترین لحظه گرفتاری ما صلح نمی‌کرد (۱۹۵۸: ۴۰۳).

.(Surendra Nath Sen 403

گفتنی است، چند ماه قبل از شروع انقلاب هند، در ۷ صفر ۱۲۷۳ ق. / ۲۵ اکتبر ۱۸۵۶ م.، نیروهای ایرانی هرات را تصرف کردند و چون انگلیسی‌ها احساس خطر کردند، به ایران اعلام جنگ دادند و به جنوب ایران حمله کردند. چون با شروع انقلاب هند و اوج گیری اش، آنان توان حفظ نیروهای خود را در جنوب ایران نداشتند و از طرفی، اختلال شورش نظامیان هندی مستقر در جنوب ایران نیز وجود داشت؛ در صدد رفع بحران برآمدند و برای انجام این کار از وجود برخی از وابستگان خود در ایران سود برداشتند. اعتمادالسلطنه در کتاب خلصه می‌نویسد:

فرخ خان کاشی خود بولی از انگلیسی‌ها گرفت و با اتباعشی کار صلح را پرداختند. اگر شتاب نکرده بودند و فته و بلوای هند بروز کرده بود، انگلیسی‌ها مضطرب و مستأصل می‌شدند و کار به دلخواه می‌گذست؛ هرات را مسترد نمی‌کردیم و بنادر خود را مسترد می‌کردیم، بلکه به قسمت عمده افغانستان دست می‌انداختم و خسارت جنگی قابلی را از دولت انگلیس می‌گرفتیم. افسوس که عجله فرخ خان نگذاشت و هرات ازدست رفت، بلکه حق ثابت ما در افغانستان باطل شد. ایران بهجای آنکه خیلی منفع شود، مبلغ‌های گزاف منصرور شد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۸۹).

این قیام ضعف نسبی پایگاه اجتماعی حکومت بریتانیا و نفرت عمیق توده‌ها نسبت به استعمار گران را بر ملا ساخت (آتنوون، ۱۳۶۱: ۱۰۱).

قیام هندی‌ها در ایران پیامدهایی داشت که از نظر تاریخ سیاسی و اجتماعی مهم است. انگلیسی‌ها برای جلوگیری از ایجاد رابطه بین ایرانیان و شورشیان هند، به چاره‌اندیشی پرداختند و علاوه‌بر سیاست دوستی و مسالمت با ایران، اقدامات وسیعی را در این کشور انجام دادند که مردم و دولت ایران را گرفتار مسائل داخلی نمایند تا آنان بتوانند نیروها و قوای کمکی خود را از مستعمرات آسیایی خود و ایران جمع‌آوری کنند و به تدریج شهرهای هند را از شورشیان پس بگیرند.

دولت انگلیس به علت اهمیت ویژه‌ای که برای سرزمین هند قائل بود، می‌کوشید که حوزه‌نفوذ خود را تا بیرون از مرزهای هند نیز گسترش دهد و استوار سازد (حائزی، ۱۳۶۷: ۴۹۲). کوشش‌های استعماری انگلیس در هند برای حفظ این سرزمین آنقدر مهم بود که گفته شده است: «تمام مصائب و معن که بر سکنه آسیا وارد آمد و بعدها نیز ساکنین این قاره پهناور، گرفتار آن مصائب خواهند بود، تمام این‌ها نتیجه مستقیم و غیرمستقیم استیلای انگلیسی‌ها بر هندوستان می‌باشد» (محمدی، ۱۳۵۳: ۱۵/۱).

گرفتاری تمام قاره آسیا، از جمله ایران، در نتیجه استعمار هندوستان توسط انگلیس بود. تمام ممالک مستقل آسیا فدای هند شدند و استقلال و تمامیت اراضی خود را در مقابل دشیمه‌ها و نیرنگ‌های سیاسی انگلیسی‌ها ازدست دادند. حضور انگلیسی‌ها در هند صلح و آسایش و نظم قاره

آسیا را برهم زد و آنان را به جان هم انداخت تا انگلیسی‌ها بر آن مملکت زرخیز استیلا داشته باشند. حفظ هندوستان، ایران را در دایرة سیاست بین‌المللی قرار داد؛ چون اروپاییان از طریق ایران، هند را تهدید می‌کردند. به این ترتیب، در دوره قاجاریه، سرنوشت ایران با سرنوشت هندوستان گره خورد و دخالت اروپاییان در امور ایران را اجتناب ناپذیر ساخت. روابط ناپلنوں با ایران و فکر لشکرکشی به هندوستان از طریق ایران، باعث شد که سیاست‌مداران دوران‌دیش انگلیسی به ایران توجه ویژه‌ای داشته باشند؛ زیرا اگر یک قشون اروپایی از مسیر ایران گذر و هند را تهدید می‌کرد، برینایی بهزحمت می‌افتد.

یکی از مهم‌ترین پیامدهای دخالت انگلیس در ایران، تجزیه قسمت‌هایی از ایران به منظور ایجاد حکومت‌های مستانده در اطراف هند بود. انگلیسی‌ها به دنبال آن بودند که یک کمربند امنیتی در اطراف هند ایجاد کنند و راه‌های رسیدن به آن مملکت را در اختیار داشته باشند. در شمال هند، حصار عظیم هیمالیا قرار دارد که تقریباً غیرقابل عبور است و معابر آن جز به طرف فلات منجمد و مرتفع تبت باز نمی‌شود. در این ناحیه، دو دولت بومی نپال و گورخان قرار دارد که انگلیس در سال ۱۸۱۵ به هردو لشکرکشی کرد. انگلیسی‌ها در سال ۱۸۱۵، در شرق، سنگاپور، شبه‌جزیره مالاکا و برمه را تصرف کردند (ماله، ۱۳۶۲: ۹۶۶). انگلیسی‌ها فقط از طرف مغرب و ایران برای هندوستان نگران بودند و پس از انقلاب، حساسیت به مرزهای غربی هند افزایش یافته بود. در قسمت غرب، ممکن بود از دو ناحیه تهدید شوند: اول، از شمال شرق ایران، ترکستان و آسیای مرکزی؛ دوم، از بلوچستان و جنوب شرق ایران. بنابراین، جدایی هرات، ترکستان، آسیای مرکزی و سیستان و بلوچستان از ایران در دستور کار دولت انگلیس قرار گرفت.

## ۱. جدایی هرات از ایران

دولت انگلیس، بنابر ملاحظات سیاسی، هرات را دروازه هندوستان می‌دانست. هدف انگلیسی‌ها در هرات، ایجاد یک سد پایدار در مقابل اجرای طرح‌های هجوم به مرز پاخته بود (کارترزبو، ۱۳۶۳: ۴۴). چنانچه ایرانی‌ها در تغییر هرات - که به نظر انگلیسی‌ها، روس‌ها در تحریک آنان بی‌نقش نبودند - موفق می‌شدند، نفوذ روس‌ها در هرات گسترش پیدا می‌کرد و آن‌ها به مرزهای هند

تردیدگر تر می شدند. زمانی که انقلاب هندوستان به وقوع پیوست، چون دوست محمد خان در امور هندوستان دخالت نکرده بود، مورد توجه انگلیسی ها قرار گرفت. از سال های اول نیمة دوم قرن نوزدهم، عملیات انگلیسی به وی اقبال کرده بودند و رجال سیاسی درجه اول هند، از جمله راوینسون<sup>۱</sup> و هربرت ادوارد به دوست محمد خان مساعدت مالی و نظامی کردند. چون وی در تمام مدت انقلاب هند، مانع اغتشاش افغان ها در مرزهای هند شده و همچنین از ارتباط افغانه با شورشیان هند جلوگیری کرده بود، انگلیسی ها مصمم شدند که خدمات دوست محمد خان را جبران کنند. بریتانیا در ۶ ژانویه ۱۸۵۷ با دوست محمد خان قراردادی امضا کرد که براساس آن، هند بریتانیا با دوست محمد خان متحد شد و پذیرفت تا زمانی که او ایران را در جنگ مشغول نگه دارد، ماهیانه کمک مالی به او پردازند. (Tate, 1909: 212).

بهترین خدمت به دوست محمد خان، آزاد گذاشتن وی برای تسخیر و تصرف هرات بود. برای اینکه او به هدف خویش برسد، وزیر مختار دولت انگلیس در تهران، کارل الیسون<sup>۲</sup>، و یکی دیگر از عملیات انگلیسی در ایران به نام ادوارد استویک<sup>۳</sup> اقداماتی انجام دادند تا دولت ایران از نظر داخلی با مشکلاتی مواجه شود و زمینه برای تسلط بیشتر دوست محمد خان فراهم آید؛ از جمله این دنبیه ها، تحریک ترکمن های شمال ایران به شورش بود. آنان همچنین شورش هایی علیه کنسول روسیه در شهر رشت برپا کردند که گفته می شد روس ها در صدد بودند یک کلیسا در این شهر بازند. سرگرم شدن دولت ایران به مسائل فرعی، باعث شد دست دوست محمد خان در هرات و سیستان ایران باز شود و او و پسر از وی، امیر شیرعلی خان به سیستان و بلوچستان دست الداڑی کنند. ایران براساس معاہدة پاریس در سال ۱۸۵۷ م. ۱۲۷۳ ق. از انگلیس خواست که حکمت کند. انگلیسی ها مدتها طولانی دست نگاه داشتند تا افغان ها قسمت هایی از سیستان را به دست آورند؛ آنگاه فردیک گلدا سمیت، در مقام خاکم، حکمت زیانباری را به نفع افغانه انجام داد و بخش های عمدۀ ای از خاک ایران جدا شد. به هر صورت، نتیجه مداخله نکردن دوست محمد خان در مسئله انقلاب هند، از دست رفتن بخشی از سرزمین ایرانیان بود.

1. Rawlinson

2. Charles Alison

3. Edward Eastwick

اگر جدایی هرات از ایران را تحت تأثیر نتایج شورش هند ندانیم، مسلم است که شروع این شورش، آن جدایی را تسريع یخشد. با اینکه حمله گسترده شورشیان هندی به طور رسمی از دهم می ۱۸۵۷ آغاز شده و دو ماه قبل از آن، در چهارم مارس ۱۸۵۷ م. (۱۲۷۳ ق.)، معاہدة صلح پاریس به انجام رسیده بود، شروع اعتراض‌ها به سال ۱۸۵۶ بر می‌گردد؛ یعنی زمانی که سربازان هندی از به کار بردن فشنگ‌های آغشته به چربی خوک و گاو امتناع کردند. آوازه این حرکت حتی به ایران نیز رسیده بود؛ به طوری که اعتمادالسلطنه در تاریخ منظم ناصری، که سال شمار حوادث ایران و جهان است - شروع شورش را در ذیل حوادث سال ۱۸۵۶ م. ثبت کرده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷؛ ۱۷۹۸). آنچه برای این مقاله اهمیت دارد، این است که انگلیسی‌ها حرکت اعتراضی مردم هند را حدس می‌زدند، اما تصور نمی‌کردند که دامنه آن گسترده باشد. بنابراین، برای اینکه سرکوب آن، لازم بود مشکلات خود را با ایران حل و تکلیف موضوع هرات را مشخص کنند. آنان، در اصل، می‌خواستند با ایجاد یک دولت دست‌نشانده در هرات، از هجوم یک قدرت خارجی در هنگام سرکوب شورش هند جلوگیری کنند؛ به همین دلیل، در این زمان با نیرویی ۱۰ هزار نفری به جنوب ایران حمله کردند؛ در حالی که در دوره محمدشاه با پانصد نفر به ایران هجوم آورده بودند. شورش هند باعث تغییر سیاست انگلیس نسبت به ایران شد. جدایی هرات و صلح پاریس با سیاستی که انگلیسی‌ها اتخاذ کردند، همزمان است و منابع نیز به این امر اشاره دارند.

## ۲. جدایی توکستان و آسیای مرکزی

القلاب هند نتیجه منفی دیگری نیز برای ایران در دوره قاجاریه داشت. چون دولت انگلیس تا مدتی گرفتار سرکوب شورش هند و عواقب آن بود، نتوانست اقدامی در مقابل روس‌ها که روزیه روز متصروفات خود را در آسیای مرکزی و ماوراءالنهر گسترش می‌دادند، انجام دهد. دولت ایران نیز به دلیل شکست‌هایی که در جنوب کشور از انگلیسی‌ها و در هرات از آن‌ها و افغان‌ها خورده بود، توانایی لازم را برای حفظ سرزمین‌های خود در نواحی آسیای مرکزی نداشت. بنابراین، دولت ایران هیچ کوششی برای تصرف مجدد نواحی آسیای مرکزی نکرد. دولت انگلیس هم که

به منظور حفظ سرحدات شمالی هند، همیشه در مقابل روس‌ها به ایران کمک می‌کرد، در این زمان، به دلیل انقلاب هند، کمکی نکرد.

پس از سرکوب انقلاب هند، انگلیسی‌ها فراغتی یافتند و متوجه امور ممالک آسیای مرکزی شدند. سیاست‌مداران انگلیسی به روس‌ها - که در این مناطق پیشرفت کرده بودند - با حسادت و وحشت می‌نگریستند و تصور می‌کردند که پیشرفت آنان، اسباب خطر برای هندوستان است؛ زیرا ممکن بود روس‌ها، ایرانیان و افغان‌ها را با تهدید یا جلب دوستی، با خود همراه کنند و به سرحدات هندوستان نزدیک شوند. به همین دلیل، انگلیسی‌ها در صدد برآمدند روابط خود را با روس‌ها حسنه کنند و آسیای مرکزی و نواحی متعلق به ایرانیان را به روس‌ها واگذارند. بنابراین، مذاکرات روس و انگلیس درخصوص آسیای مرکزی آغاز شد و پس از مذاکرات مفصلی که بین گرانویل<sup>۱</sup> و گورچاکف<sup>۲</sup>، وزیران امور خارجه دو کشور، به عمل آمد، درنهایت ایران را مجبور ساختند به موجب عهدنامه آخال، در ۲۱ مهتابی ۱۸۸۱ مرزهای جدید خود را روس‌ها را قبول کند. ایران از کلیه دعای خود نسبت به ترکستان و ماوراءالنهر صرف نظر کرد و رود اترک، مرز ایران و روسیه شد.

### ۳. جدایی بلوجستان از ایران

انقلاب هند ضعف انگلیسی‌ها و ضربه پذیری آنان در هندوستان را آشکار ساخت. چون سلطانگلیسی‌ها بر هندوستان مسلم شد، روس‌ها نیز بعفکر سلطان دریای آزاد در جنوب ایران (خليج فارس و دریای عمان) و تهدید هندوستان افتادند. گزینه قبلی روس‌ها، تهدید انگلیسی‌ها در هندوستان از طریق ترکستان و افغانستان بود که با انعقاد معاهده پاریس (مارس ۱۸۵۷) و استقلال و به رسمیت شناخته شدن دولت افغانستان توسط ایران، آن منطقه کاملاً تحت نظر انگلیسی‌ها درآمد. بنابراین، روس‌ها در صدد برآمدن از طریق جنوب ایران، خصوصاً بلوجستان، منافع انگلیس را در هند تهدید کنند. از آنجاکه پس از قیام مردم هند، دولت انگلیس در آن کشور به شدت آسیب پذیر

1. Granville  
2. Gortchakov

شدہ بود، تصمیم گرفتند یک دیوار و سر حائل نیز در منطقه بلوچستان ایجاد و کمربند امنیتی غرب هندوستان را کامل کنند. به این دلیل، به ایجاد نامنی‌هایی در نواحی بلوچستان پرداختند و اقدامات بسیاری انجام دادند که به آسانی بتوانند نواحی کلات و بلوچستان را از ایران جدا سازند. بنابراین، گروهی از مأموران سیاسی انگلیسی در لباس‌های مختلف به بلوچستان گسل شدند. آنان وظایفی را بر عهده داشتند، مانند جمع آوری اطلاعات جغرافیایی، تاریخی و مذهبی از منطقه، نقشه برداری، ایجاد اغتشاش و نامنی، به وجود آوردن اختلاف و تضاد بین سرداران محلی، ایجاد جنگ‌های مختلف قومی و تحریک خان کلات به استقلال و جدایی از ایران. البته، به علت گرفتاری‌های زیاد حکومت قاجاری ایران در مرکز و نواحی دیگر و نیز دوری کلات و بلوچستان از مرکز ایران، مدت‌ها بود دولت مرکزی ایران تسلط چندانی بر کلات و قسمت شرقی بلوچستان نداشت و برخی سرداران و حکمرانان محلی به صورت خودمختار حکومت می‌کردند. موضوع جنگ‌ها و نامنی‌های بلوچستان باعث تشکیل کمیون حل اختلافات ایران و کلات و دخالت گلدازید، در مقام داور، شد. او مأمور سیم کشی خطوط تلگراف بین هندوستان و ایران بود که ضمن اجرای وظیفه خود، موظف شد مرزهای بین کلات و ایران را مشخص کند. عاقبت پس از مذاکرات و کشمکش‌های بسیار، در ۴ سپتامبر ۱۸۷۱، حدود سرحدی بر طبق طرح جنرال گلدازید، مورد موافقت قرار گرفت. قسمت‌هایی از خاک بلوچستان ایران جدا و با عنوان بلوچستان انگلیس، ضمیمه امپراطوری این کشور شد.

به طور کلی، این وضعیت براثر دو عامل بود: یکی ملاحظات استراتژیک دولت هند که کاملاً بر نیاز آن دولت به فشار آوردن برای عقب راندن مرزهای خود با ایران در بلوچستان و مرزهای تحت الحمایه افغانی آنان در خراسان و سیستان بهسوی باخته منکی بود و دیگر، سنتی، کاردان نبودن، ناآگاهی و نداشتن احساس مسئولیت که مشخصه قاجاران، به وزیر ناصر الدین شاه، بود (مجتبه‌زاده، ۱۳۷۸: ۴۷۹).

#### ۴. ایجاد خط تلگراف در ایران

تأثیر دیگر انقلاب هند در ایران، برخوردار شدن ایران از خط تلگراف بود. پس از انقلاب هند، ضرورت ارتباط تلگرافی بین انگلستان و هندوستان اهمیت پیدا کرد؛ بنابراین، افسران انگلیسی مذاکراتی با شاه ایران برای ساختن خط تلگراف آغاز کردند. این خط قرار بود از بغداد شروع و به کرمانشاه، همدان و بوشهر وصل شود. همچنین مقرر شده بود يك خط مستقیم تلگرافی زمینی (از راه خشکی) از جنوب شرقی ایران و بلوچستان ایران به کراچی و هند متصل شود. احداث خط تلگراف در ایران که از پیامدهای انقلاب هند بود، باعث تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی عمیقی در ایران شد (سابکس، ۱۳۷۰: ۵۴۸).

لود کرزن معتقد است که احداث خط تلگراف در ایران، این کشور را به اروپا پیوند داد و عضوی از جامعه جهانی ساخت. پیدا بش تلگراف در تهران و نیز خطوط فرعی آن در دیگر مناطق، تأثیر کلانی در اقتدار ناصرالدین شاه داشت؛ چون خبر کوچک‌ترین حرکت و سرکشی در اقصی نقاط کشور، فوری به پایتخت می‌رسید و قشون برای سرکوب آن به حرکت درمی‌آمد (۱۳۶۷: ۷۳۱).

کشیده شدن سیم تلگراف در ایران، به منزله ایجاد رشتہ سیاست انگلیس در این کشور بود؛ چراکه در هر محلی که سیم تلگراف از آذ عبور می‌کرد، نفوذ دولت انگلیس نیز برقرار می‌شد. انگلیسی‌ها برای نفوذ در ایران، از تلگراف بهره کامل برداشتند. آن‌ها با انعقاد قراردادهایی، مبالغی به شاه و درباریان پرداختند و پرداخت منظم مقری، رفته‌رفته راه را برای قراردادهای جدید هموار کرد.

ایجاد تلگراف پیامدهای مثبتی نیز به همراه داشت، ملت و دولت ایران را از خواب خوش شرقی پیدار کرد ( محمود، ۱۳۵۳: ۷۹۴/۳) و آثار آن حتی در انقلاب مشروطیت دیده شد. ایجاد تلگراف برای کشور پهناور ایران که قادر خطوط ارتباطی بود، بسیار ارزش داشت؛ اما ناصرالدین شاه از نقشی که تلگراف در تحولات انقلابی ایران ایفا کرد، غافل بود. آمدن مهندسان و بزشکان و همسران آن‌ها و کارشناسان فنی به ایران، آشکارا نشان داد که چگونه دروازه ایران به روح جهان گشوده شده است ( آوری، ۱۳۶۹: ۱۶۵).

از دیگر مسائلی که در این زمان اتفاق افتاد آن بود که انگلیسی‌ها سال‌ها نلاش گسترده‌ای برای حضور در کشور چین و به دست آوردن بازار پر مصرف آن کشور آغاز کرده بودند و برای اینکه بتوانند بر این کشور سلطط یابند، از راه‌های مختلف وارد شدند. گسترش مساحت در چین باعث شد در سال ۱۸۵۰ میلادی، مردمی چینی به نام هونگ مین چوان شورش گسترده‌ای را ایجاد کند که مبلغان مسیحی و قدرت‌های خارجی در آن نقش داشتند (نهرو، ۱۳۶۶: ۸۶۱ / ۲). برای سرکوب این شورش که به «شورش تایپینگ» مشهور بود، انگلیسی‌ها سربازان خود را به چین اعزام کردند؛ اما درست در همان موقع، شورش سال ۱۸۵۷ م. / ۱۲۷۳ ق. در هند شروع شد و این سربازان به هند بردند. پس از مشکلاتی که در هندوستان به وجود آمد، انگلیسی‌ها در صدد برآمدند برای به زانو در آوردن چین، استعمال تریاک را که از سال‌ها قبل در چین آغاز کرده بودند، بیشتر گسترش دهنند. شورش هند و به خطر افتادن منافع تجاری و اقتصادی انگلیس در هندوستان، آنان را وادار ساخت تا برای جلوگیری از اقدامات مشابه، مصرف تریاک در چین را بیشتر توسعه دهند. بنابراین، کشت تریاک در هندوستان برای صدور به چین گسترش یافت. این سال‌ها مصادف با ایامی بود که میرزا حسین خان سپه‌الار در هندوستان بسر می‌برد. برخی اعتقاد دارند هنگامی که او در بیشی به کارپردازی مشغول بود، تجار تبعه دولت ایران را تشویق می‌کرد که به جای پول نقد، تریاک به ایران بیاورند؛ زیرا معتقد بود در این کار نفع فراوانی وجود دارد. بنابراین، می‌توان گفت وی مشوق گسترش کاشت تریاک در ایران شد (فرهاد معتمد، ۱۳۲۵: ۹).

به هر صورت، رواج تریاک در ایران را می‌توان از پیامدهای غیرمستقیم شورش هند دانست؛ چراکه انگلیس برای صدور تریاک به چین بمنظور جلوگیری از شورش در آن کشور و نیز رسیدن به اهداف خود، کشت تریاک را در ایران نیز گسترش داد که این امر باعث اعتیاد بسیاری از مردم ایران و رجال و درباریان شد. در سال ۱۸۵۹ م. / ۱۲۷۴ ق.، یعنی دو سال پس از انقلاب هندوستان، صادرات تریاک از ایران به چین به حدود ۶۰ هزار پوند افزایش یافت (عبسوی، ۱۳۸۷: ۴۹۹) و در سال‌های بعد نیز ادامه پیدا کرد. گرچه رواج کشت تریاک سود سرشاری برای ایران داشت، باعث افزایش معتادان نیز شد.

## ۵. انجام اصلاحات در ایران

از دیگر پیامدهای انقلاب هندوستان، تصمیم انگلیس‌ها برای انجام پاره‌ای اصلاحات در ایران بود. آنان به این نتیجه رسیده بودند که برای جلوگیری از به خطر افتادن منافع انگلیس در کشورهای زیر نفوذ خود، باید اصلاحاتی انجام دهند. ایران از کشورهایی بود که با توجه به حضور روس‌ها، انگلیس‌ها نسبت به سرنوشت آن حساس بودند. بنابراین، انجام اصلاحاتی در ایران، ضروری به نظر می‌رسید.

یکی از حوادث مهمی که در سال انقلاب هند، در ایران به وقوع پیوست، حمله ایران به هرات در سال ۱۲۷۳ ق. در دوره ناصرالدین‌شاه قاجار، بود که به حمله سوم هرات موسوم است. ایران عهدنامه صلح پاریس را در ۴ مارس ۱۸۵۷ م. / ۱۲۷۳ ق. امضا کرد و چون حکومت انگلیسی هند با شورش بزوگ هند مواجه شده بود، سیاست نرمی و انعطاف در پیش گرفت. انعقاد این قرارداد، ضعف و عقب‌افتدگی ایران را نشان داد و انگلیس‌ها دریافتند که باید روش خود را در ایران تغییر دهند تا خسارات مالی و تلفات جانی آنها در هند، در ایران تکرار نشود. برخی از ایرانیان ساکن در هند، همچون محمد‌مهدی اصفهانی، معروف به ارباب، در شکل‌گیری اصلاحات شرکت داشتند. وی از سال ۱۲۶۰ تا زمان شورش هند در سال ۱۲۷۳ در هند به سر بردا و سپس به ایران بازگشت. عده‌ای از اصلاح طلبان، از جمله فرخ‌خان غفاری، با نوشتن کتابچه دستور العمل و میرزا ملکم‌خان با نوشتن کتابچه غبیبی یا دفتر تنظیمات، در صدد چاره برآمدند.

میرزا حسین‌خان سپه‌الاalar در دوره صدارت امیرکبیر، به مدت سه سال از ۱۸۵۰ م. / ۱۲۶۷ ق. تا ۱۸۵۳ م. / ۱۲۷۰ ق. در مقام کارپرداز در شهر بمبئی هندوستان به سر بردا. در این زمان، آفاخان محلاتی، با جناق میرزا حسین‌خان، نیز در بمبئی زندگی می‌کرد و بین آنان رابطه دوستی برقرار بود. سپه‌الاalar پس از بازگشت از هندوستان، از سال ۱۸۵۴ م. / ۱۲۷۱ ق. مأمور کنسولگری ایران در تفلیس شد و در این مأموریت، با فتحعلی آخوندزاده، از دیگر اصلاح طلبان ایرانی و مخالف دولت ناصری، تماس برقرار کرد. مثلث آخوندزاده، میرزا حسین‌خان و ملکم‌خان برای انجام تغیرات در ایران کامل شد. در سال ۱۲۷۵ ق.، میرزا حسین‌خان، وزیر مختار ایران در عثمانی شد و در آن سرزمین نیز با شخصیت‌های متعدد و اصلاح طلب رابطه برقرار کرد؛ از جمله عالی‌باشا، فؤاد‌باشا،

منیف پاشا و مدحت پاشا، ایام سفارت میرزا حسین خان در عثمانی، مصادف بود با صدراعظمی عالی پاشا و فؤاد پاشا و پایان جنگ کریمه. دولت عثمانی کاملاً تحت نفوذ انگلیس و فرانسه قرار داشت و به موجب معهدنامه وین، عثمانی‌ها ملزم به اجرای تنظیمات موردنظر در این کشور شده بودند. این دو نفر که عمل انگلیس بودند، بهنوبت به صدراعظمی وزارت جنگ و وزارت خارجه منصوب شدند و در این مدت، میرزا حسین خان سپهالار با اینان مراوده نزدیک داشت (ساسانی؛ بی ۵۹).

فریدون آدمیت نیز مأموریت‌های سیاسی میرزا حسین خان به هندوستان، فقماز و عثمانی را باعث آشنا شدن او با تحولات اجتماعی و سیاسی آن نواحی ذکر کرده است (۱۲۷؛ ۱۳۵۶). یکی دیگر از دوستان نزدیک میرزا حسین خان در عثمانی، لرد لاپارد، مأمور بلندپایه انگلیس در شرق بوده است. وی آن زمان سفير کبیر انگلیس در امپراتوری عثمانی بود. لاپارد سال‌های زیادی در ایران و در میان قبایل بختیاری زندگی کرده بود، ایران‌شناس و شرق‌شناسی زیردست به حساب می‌آمد و سیاست‌های انگلستان را در شرق هدایت می‌کرد. سپهالار برای پیش‌برد مأموریتش در استانبول به وی متول می‌شد. دوستی بین آن دو آنقدر نزدیک شد که لاپارد دوره تفاہت بیماری‌اش را در سفارت ایران گذراند و سپهالار از وی پرستاری کرد.

نامه میرزا حسین خان سپهالار به ناصرالدین‌شاه درباره انجام اصلاحات، اهمیت زیادی دارد: «دول فرنگستان به اصرار و ابرام، دولت عثمانی را مجبور خواهند نمود که اصلاحات جدیده در امورات دولت مجرماً دارند. اگرچه در ابتدای امر این اصرار و اجبار دولت خارجه به نظر تلخ و ناگوار می‌آید، ولکن بالاخره موجب نجات و فلاح و ترقی خواهد گردید.» (همان: ۱۳۴).

میرزا حسین خان از اصلاحات در عثمانی و هند تأثیر پذیرفت. تغییر گرایش‌های فکری وی در بی‌آشنا بی‌اصلاحگران غرب‌گرا و تنظیمات غربی، از نامه‌های باقی‌مانده از وی به خوبی مشخص است. اگر گفته می‌شود که میرزا حسین خان از اصلاحات در هند تأثیر پذیرفته است، به آن علت است که زمانی که دالهوزی، فرماندار کل هند، تصمیم گرفت اصلاحاتی در هند قبل از شورش انجام دهد، میرزا حسین خان در این کشور به سر می‌برد. انجام اصلاحات دالهوزی برای ازین بردن زمینه‌های شورش هند بود؛ اما دیگر دیر شده بود.

به هر صورت، انگلیسی‌ها برای حضور در ایران و پرهیز از معضلاتی مانند شورش هندوستان، نیاز مبرم به تحولات فرهنگی و اجتماعی در ایران داشتند. میرزا حسین خان انجام این اصلاحات را زمینه‌سازی کرد. از اقداماتی که برای ایجاد تحول در ایران انجام دادند، آماده کردن مقدمات سفرهای ناصرالدین شاه قاجار به اروپا بود. نخستین سفر در ربیع الاول ۱۲۹۰ق. / ۱۸۷۳م. تدارک دیده شد که در آن، شاه از بسیاری از کشورهای اروپایی بازدید کرد. سفرهای ناصرالدین شاه به اروپا و بررسی وضعیت حکومت کشورهای اروپایی، وی را به انجام اصلاحاتی در ایران ترغیب کرد.

## ۶. افول فرهنگ و زبان فارسی در هند

با شورش بزرگ هندوستان، دوران دولت گورکانی هند که با فتح دهلی در سال ۱۵۲۶م. توسط ظهیرالدین بابر آغاز شده بود، پس از ۳۳۱ سال، در ۱۸۵۷ به پایان رسید. از این سال، دولت انگلیس با انحلال کمپانی هند شرقی مستقیماً اداره امور هند را بدست گرفت. یک سال قبل از شورش هند، در ۱۸۵۶م.، دولت شیعه مذهب او در توسط سیر جیمز اوترام (Surendra, 1958: 176) ازین رفت و او در مقام اولین کمیسیونر عالی ایالت او در اداره این منطقه را بدست گرفت. این عمل و انقراض سلسله او را یکی از علل وقوع انقلاب هند می‌دانند.

با انقراض این دو دولت، انگلیسی‌ها دخالت آشکاری را برای برقراری ساختارهای سیاسی نوین در هندوستان آغاز کردند. آنان در صدد تغییر ساختار اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن سرزمین برآمدند و فرایند نوسازی را شروع کردند. با شکست این شورش و به دنبال تحکیم حکومت بریتانیا، نجایی مسلمان بدروستی با نوگرایی مواجه شدند. (عزیز، ۱۳۶۶: ۱۴۶).

شورش هند نفوذ بیش از حد ایران در آن سرزمین را نشان می‌دهد. همان طور که اشاره شد، این حرکت را به ایران نسبت می‌دهند و حتی کریشنا لال کتاب دیسیه‌های ایران در دهلی را نوشت که امروزه نایاب است. وی در این کتاب بر نقش ایران در انقلاب هند تأکید می‌کند. انگلیسی‌ها تصمیم گرفتند که به نفوذ فرهنگی و سیاسی ایران در هند خاتمه دهند. یکی از نتایج

منفی انقلاب هند، ضربه خوردن فرهنگ و ادب فارسی و جلوگیری از رشد و توسعه زبان فارسی و جایگزین نمودن زبان انگلیسی به جای آن بود.

در پایان قرن هیجدهم میلادی که مطبوعات در هند آغاز به کار کردند، افراد کمی قادر بودند زبان انگلیسی بدانند و زبان‌های بومی هند برای روزنامه‌نگاری توانایی لارم را نداشتند و لذا زبان فارسی، زبان جامعه رسمی و درجه‌اول بود و تمام گزارش‌های اداری و سیاسی و دیلماتیک به زبان فارسی نوشته می‌شد... درواقع، وطن دوم زبان فارسی در طول حکومت مسلمانان، هندوستان بوده است (سلیمانی، ۱۳۷۲: ۱۲۲).

هندیان کمک شایانی به حفظ ادب فارسی کردند. زمانی که زبان فارسی، زبان امور اجرایی، فرهنگی و هنری هند بود، آنان به تألیف فرهنگ‌های فارسی پرداختند و فرهنگ‌لغت‌های بسیاری به فارسی چاپ کردند که این امر حتی تا آخرین روزهای امپراتوری مغول هند ادامه یافت. این فرهنگ‌ها حاوی نقدها و دیدگاه‌های دقیق علمی و اطلاعاتی وسیع است. برای مثال، مرآت الاصطلاح واژه‌نامه‌ای با ارزش است که آنان در این را تدوین کرد و شامل واژه‌های به کار رفته در آثار شاعران قدیم و جدید است (Hekmat, 1956: 43).

دولت بریتانیا پس از سرکوب قیام هند، به منظور نفوذ در سرزمین‌های غربی مرزهای این کشور، مصمم به تغییر زبان و فرهنگ کهن منطقه شبه‌قاره شد. آن‌ها با انجام اقدامات گسترده، مانند تأسیس مدارس انگلیسی زبان و حذف زبان فارسی از نظام آموزشی هند و کلات (در خاک پاکستان) و جایگزینی زبان خود، در صدد دست‌یابی به اهداف خویش برآمدند. در تاریخ دوم اوت ۱۸۹۹، آموزش زبان فارسی ممنوع شد. با کنار نهادن این زبان از نظام اداری و اجرایی کلات و بلوچستان، علاوه بر انگلیسی، اردو نیز زبان اداری اعلام شد. به دنبال این تغییرات، نخبگان مسلمان جامعه هند که زبان فارسی را میراثی مهم و به جامانده از تمدن اسلامی می‌دانستند، واکنش نشان دادند و با کوشش رهبران مسلمان انقلاب هند، همچون محمدقاسم نانوتوی، شالوده مدارس جدید ریخته شد (گیلانی، ۱۳۸۴: ۴۱).

مقامات بریتانیایی پس از سلط بر منطقه، به خصوص بلوچستان شرقی، زبان اداری و سیاسی خاننشین کلات را که حتی قبل از حکومت نصیرخان بر آن منطقه، فارسی بود، حذف و زبان انگلیسی را جایگزین آن کردند (Malek, 2007: 802).

منابع محلی بلوچ از شعرای بزرگ پارسی زبان که دیوان شعر داشته‌اند، نام می‌برند؛ شعرایی مانند سید محمد تقی شاه، میرزا الحمد علی و گل محمد مگسی (Muhammad Sardar Khan, 1977: 197). نصیرخان احمدزادی، از مورخان پاکستانی، معتقد است پس از حکومت عباسی، به مدت هزار سال فارسی، زبان اداری و اجرایی هر حکومت و سلسله‌ای بوده که در پاکستان امروزی و بلوچستان قدرت داشته است و زبان‌های انگلیسی و اردو با حمایت انگلستان، برای جدا ساختن این مردم از ایران رواج یافت (Ahmadzai, 1988: 32).

به هر صورت، تضعیف و افول زبان فارسی و جدایی‌ای که انگلیسی‌ها بین ایران و هند به وجود آوردند، باعث محدود شدن روابط بین دو کشور شد.

### نتیجه‌گیری

شورش بزرگ هند نقطه عطف مهمی در تاریخ ایران و هند است که تأثیرات عمیقی بر جای گذاشت. این شورش به عمر سلسله مغولان یا تیموریان هند در این کشور خاتمه بخشید؛ به دوران حکومت کمپانی هند شرقی پایان داد و اولین حرکت اعتراضی مسلمانان در جهان اسلام را باعث شد. انگلیسی‌ها به‌منظور حفظ هندوستان اقدامات گسترده‌ای را در این کشور و منطقه انجام دادند که پامدهای آن در کشور ایران بسیار مهم بود. ایران برای حفظ هند، قسمت وسیعی از سرزمین‌های خود را در شمال شرقی، شرق و جنوب شرقی ازدست داد؛ نفوذ فرهنگی و معنوی ایران در هند ازین رفت و زبان و ادب فارسی که از قدیم‌الایام در آن سرزمین حضور داشت، رو به افول نهاد و زبان انگلیسی جایگزین آن شد. انجام پاره‌ای اصلاحات سیاسی و اجتماعی در ایران در راستای تغییر معیشت ایرانیان صورت گرفت که از آن جمله، ایجاد خط تلگراف بود. در این راستا، تدارک مسافرت‌های سه‌گانه ناصرالدین‌شاه به اروپا باعث وقوع تحولاتی جدید در ایران

شد. شورش هند پیامدهای مثبت و منفی بسیاری در ایران داشت که شاخت آنها در آنکاهی یافتن نسبت به تاریخ معاصر حائز اهمیت است.

### منابع

- آدمیت، فریدون (۱۳۵۶). *اندیشه ترقی*. تهران: خوارزمی.
- آنتونووا و دیگران (۱۳۶۱). *تاریخ نوین هند*. ترجمه پرویز علوی. تهران: بین الملل.
- آوری، پیتر (۱۳۶۹). *تاریخ معاصر ایران*. ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی. تهران: عطایی.
- اعتنادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۵۷). *خلصه مشهور به خواب نامه*. بی جا: بی نا.
- \_\_\_\_\_. (۱۳۶۷). *تاریخ منتظم ناصری*. ج ۲. تصحیح اسماعیل رضوانی. تهران: دنیای کتاب.
- حائری، عبدالهادی (۱۳۶۷). *نخستین روظرویی‌های اندیشه مکوان ایران*: دوره بورزوآزی خوب. تهران: امیرکبیر.
- ساسانی، خانملک (بی نا). *سیاستگران دوره قاجار*. تهران: بابک و هدایت.
- سایکس، سرپرسی (۱۳۷۰). *تاریخ ایران*. ج ۱. ترجمه محمد تقی فخر داعی. تهران: دنیای کتاب.
- سلیمانی، مینو (۱۳۷۲). *روابط فرهنگی ایران و هند*. تهران: وزارت امور خارجه.
- شمیم، علی‌اصغر (۱۳۷۰). *ایران در دوره سلطنت قاجار*. تهران: علمی.
- شهبازی، عبدالله (۱۳۷۷). *رسالهای یهودی و پارسی استعمار بریتانیا و ایران*. ج ۱. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- عزیز، احمد (۱۳۶۶). *تاریخ تفکر اسلامی در هند*. ترجمه نقی لطفی و محمد جعفر یاحقی. تهران: کیهان و علمی و فرهنگی.
- عبسی، چارلز (۱۳۸۷). *مر罕ه اقتصادی اروپا (۱۸۷۲-۱۹۲۱)*. *تاریخ ایران کمپریج*. تهران: جامی.

- فرهاد معتمد، محمود (۱۳۲۵). *تاریخ سیاسی دوره صدارت میرزا حسین خان مشیرالدوله*. سپهسالار اعظم. تهران: علمی.
- کارلو نزیبو، بیو (۱۳۶۳). *رقابت روس و انگلیس در ایران و افغانستان*. ترجمه عباس آذربیان. تهران: علمی و فرهنگی.
- کرزن، جرج ن. (۱۳۶۷). *ایران و قضیه ایران*. ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی. تهران: علمی و فرهنگی.
- گیلانی، مناظر حسن (۱۳۸۴). *سیری در زندگی حضرت مولانا محمدقاسم قانوتونی*. ترجمه و اقتباس صلاح الدین شهنازی. زاهدان: صدیقی.
- عالم، آکبر و زول ایزاک (۱۳۶۲). *تاریخ قرن نوزدهم و معاصر*. ترجمه حسین فرهودی. ج ۱. تهران: ابن سينا.
- محمود، محمود (۱۳۵۳). *تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی*. تهران: اقبال.
- مجتبهدزاده، پیروز (۱۳۷۸). *امیران مرزدار و مرزهای خاوری ایران*. ترجمه حمیدرضا ملک محمدی نوری. تهران: شیرازه.
- نهرو، جواہر لعل (۱۳۶۶). *تکاھی به تاریخ جهان*. ترجمه محمود تفضلی. تهران: امیر کبیر.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۶۴). *تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی*. تهران: امیر کبیر.

- Ahmadzai, Mirmasserkhan (1988). *Tarikh-e-Baloch wa Balochestan*. Vol 7. Quetta: Baluchi Academy.
- Hekmat, A. A. (1956). *Glimpses Persian literature*. Calcutta.
- Hibbert, Christopher (1980). *The Great Mutiny*. India.
- Malekmohammad, Saeed Dehwar (2007). "Tarikh Baluchistan". *History of Baluchistan*. Quetta: Baluchi Acadamy.
- Muhammadsardarkhan Baloch (1977). *The History of Baluch and Baluchistan*. Quetta: Baluchi Academy.

- Surendra Nath Sen (1958). *Eighteen Fifty- Seven*. Calcutta: The Government of India Press.
- Tate, G. P. (1909). "The Frontier if Baluchistan". *Travel on the Borders of Persia and Afghanistan*. London: Witherby and co.